

## بازتاب آسماندر شعر نظامیگنجوی\*

مظاهر نیکخواه<sup>۱</sup>

### چکیده

به‌نایب آسمان‌ناز دیرباز هموار هجولانگ‌ها سرتکا و شگر آدمیان بود هوشکفر موز فلکی آرز ویدیرینه بشر به‌شمار می‌رفت‌هاست، از دانشمندان اخترشناسی گرفتار تا ذنخلاق شعرای صاحب‌ریح و حتی ذنخواهان هموارها چشم‌انجستجوگر خودگستره آسمان را میکا ویدند. نظامینیه ز به‌عنوانیک‌باز نخبگان عصر خود را از اینجستجویی بهره‌مند هاست و مثنوی‌ها یخود را به‌اینموضه و عمزینکرده‌هاست و با تصویر آفرینی خاصی، تصاویر متفاو و توفراوانی به‌وجود آورده‌هاست. از جملهبه‌تأسمان به‌عنوان بارگاه‌در شعر نظامی جلوه‌ای خاص دارد که تماماً میلوازمیکبارگاه‌ها عظم‌ت‌ش‌ا هیرادار دکهدرا اینمقاله به‌دانی می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: آسمان، بارگاه، شاه، وزیر، خنیاگر، قاضی، دبیر

۱. استاد یارگروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

## مقدمه

«آسمان را بهر بیسماء و فلک خوانند و معتبر کیبیا نآسیا مانند استبها اعتبار گردیدن چها آسگو بند» (محمد حسین بن خلف تبریزی، ۴۶: ۱۳۵۷). «آسمان، گنبد یظا هری [است] کهها لایز میندیده می شود، وز مینه ابرها و خورشید و ماه و ستارگان است. رنگ آبیروشن آسمان در روز ناشی از این است که هذر اتخر دگرد و غبار و بخار موجود در جو زمین بعضی از امواج نور را جذب بویر خیر ابر اکنده می کنند. امواجی که بطول موجاً نهایبشتر است (قرمز و زرد) به آسانیا میانیا نیندرا تمی گذرند، ولیا شعة کوا تاه تر (آبی) پراکنده می شوند. هر چه مقدار غبار و ذرات کمتر باشد، مقدار اشعة پراکنده شده کمتر، و بنا بر این، رنگ آبی آسمان صاف تر است. زیاد یغبار و همچنین یغبار دانه در شتتسبیمی شو دکهعلا و هیر شعاع آبی، شعاع های دیگر نیز پراکنده شوند، و در این صورت آسمان پدید هر نگو سفید فامو مهمانند می شود. هر وقتو هر جا که هذر اتغبار کمتر باشد، (هند گامصبح، در فصل زمستان، پس از باران، و هنگام مرؤیت آسمان از بالا یکو هیا از رو باقیانوس) رنگ آبی آسمان روشن تر خواهد بود» (مصاحب، ۱۴۸: ۱۳۸۱). در کتا بتاریخنجو ما سلامیآ مده است: «ساکنانباستانیا ب لتصور می گردند که آسمان از هفته طبقه بر رو بهمچید ه شده، تشکیل شده است و ماهو خورشید و خمسة متحیی ره ساکنانبا طبقه اتو صاحبانها هستند.» (نالینو، ۱۳۴: ۱۳۴۹). «بسیار یاز دانشمندان یونانیو از جمله بطلمیوس (متوفی ۱۶۵-

۱۷۰ م) و اغلب دانشمندان اسلامیا بر اینبهبج معدو دیدمی پنداشتند که زمین در مرکز عالم ثابت است و آسمان کره بسیار بزرگیا است که ستارگان در آن قرار دارند و این کره بسیار بزرگیا همه ستارگان شبر گرد و دو قطبنا بتشمال و جنوبی گردد؛ بههمیندلیل آسمان را گاهیمجاز اچر خو گردون نیز می نامیدند. اینگرد شظا هر یامروز هیا اندکتأ ملیدر آسمانقا بلمشاهده است. اگر ناظر یمد تیبها سمانچشمبندوزد، متوجه می شو دکه تعداد یاز ستارگان همیشه در آسمان دیده می شوند و طلعو غروبندارند و تنها در مدار کوچکیدر شمالآ سمانجابه ج امی شوند، اما بسیار یاز ستارگان از سمت مشرق - اندکیمتا یلبهسو یشمال - در آغاز شب طلوع می کنند و اندکاندکنیمیا زبهنه آسمانرا طیمی کنند و بر بالا یسر ناظر در وسط آسمان قرار می گیرند؛ سپس بهسو ی مغربگرا یشید امی کنند و در سمت مغرب - اندکیمتا یلبه جنوب -

از چشمنا پدید می شوند و اگر بر ایهریکا ز اینستارگان مسیر حرکتیر سمشود، اینمسیرها دایره های متوازی یکدیگر خواهد بود و تنها سیاراتو ستارگان دنباله دار از اینقاعده مستثنی هستند.» (ماهیار، ۸: ۱۳۸۷ و ۹). اینگستره بیکر اندر آثار بزرگان به شکل های متفاوت تبه تصور کشید ه شده است. از جمله نظامیگنجویک

هدر تصویر آفرینیکیاز شاعرانمبتکر استواز دانشجو میروزگار خود بهره مند استمنونه ایاز اینهنرمندی  
رایهکار بستههاستکه در اینمقالهدانمی پردازیم.

### پیشینه تحقیق

آثار نظامی گنجوی به عنوان آثار بیافراخ در ادبیاتفارسی هموار همد نظر دانش پژوهاناندیشمندانبوده  
ستو محققانزبانفارسی موضوعاتمتفاوتیاز اینآثار را موردبررسیقرار داده اند و تألیفاتو مقالاتگوناگونیه  
هدست داده اند و ابعاد بسیار یاز پنجگنجفر اخور موضوعوردنظر پژوهندگانبرایآیندگانر و شنشدهاس  
ت؛ از جمله ساختار و کاربرد صنایعادی، تصاویر خیال، برسیارایکلامیو فلسفی، طبازدیدگاهنظامی  
و دیگر موضوعها که مجالبحثآندر اینمقالنیست. به عنواننمونه اندکیاز آنهابر شمرده می شود. آقایدکته  
رعلیاوسطابراهیمیدر خصوصآرایه هایادیباشعار نظامیو علومایلمیاطالبینوشته اند و هنر به کارگیر  
یا نعلومدر تصویر آفرینی نظامی را به نمانیاشگذاشته اند. محمد صباغیانجاویدیتصاویر خیالخرسرووشیر  
ینرا برسیکرده اند همچنیناصغر دادبهاندری شهنظامی را با توجه به علمکلامیو فلسفه بیانکرده اند و از اینقبیل  
سیار. از آنجا که نظامی به عنوان حکیمجامعا کشر علومزمانخود بوده استآقایدکتر نورالدینشازدها حمدیت  
وانا بیعلمینظامیدر طبرایه صورتیکمقالهاورد هاست. همهاینسوا بقدرالتبر علمودانشنظامیو هنرمندیای  
شاندر به کارگیر یا نعلومدارد. نویسندها اینمقالهدر بیاناستتصاویر و بازیاباز اینتصاویر را با توجه  
بی کرانه ایچونآسماندر شعر نظامیکه تاکنونکسیبیداننبرداخته رانمایان سازد.

### بحث و بررسی

#### الف) آسماندر شعر نظامی

پهنایآسماناز آغاز خلقتهموار هجولانگاسرشتکاو شگر آدمیانبوده و کشفرموز فلکیآرزویدریه  
نه بشر به شمار می آمده است. از دانشمنداناختر شناسگرفته تا ذهنخالقشعرا یصاحبقر یچهو حتیذهنعوا  
مکه هموار هباچشمانجستجوگر خود گستره آسمانرا می کاویدند. نظامی به عنوانیکیاز نخبگانعصرخ  
وداز اینجستجویی بهره مند بودمثنوی هایخود را به اینموضوعمژنموده است. آسماندر نظامییا تو  
جهت تصویر آفرینی کم نظیر و بیعناوینمختلفیدارد از جمله:

آبگینه، آبهلق، آسمان، افلاک، ایوان، بالا، بام، پرده، پرگار، تخت، جام، چتر، چرخ، چنبر، حقه، خر  
گاه، خضرا، خیمه، دایره، دولاب، رواقسبز، سپر، سپهر، سدره، سفره، طارم، طاس، طاق، طبق، طشت، ع

رش، فلک، قابقوسین، قلعه، کبود، کرسی، کلبه، گردون، گنبد، گیتی، لاجورد، لعبت، لوح، محیط، مقرن  
س، مهد.

نظامیابهره‌گیر یاز اینتنو عاسمی، گاه‌آسمانز انمادرفعتو بخشند گیمی داندو گاهمعر اجدعا؛ گاهس  
رنوشتا دمیر ابهدستاومی سپاردو گاهیبهجهتتیزر گداشتمدو خود، آسمانرا ازو جبهزیر می‌کشد. این  
طبعسرشار و ذوقبی بدیلخالقتصاویر شگفت‌انگیز و مبدهصورت‌هایخیالیسیارزیبا و ابتکارینیا زهر  
صاحبقریحه خوشذوقیرارضاء می‌کند.

بامطالعه آثار حکیمگنجهمی توانبهنهتقسیمبندیمو ضوعیزیر درباآسمان دستیافت:

۱- آسمانواثر گذاریر امور جهان

۲- آسمانبارگاه

۳- آسمانوبزرگداشتمدوح

۴- آسمانخانه‌معراج

۵- آسمانودیرینگی

۶- آسمانورموزآن

۷- آسمانزنگارنگ

۸- آسمانوطبقاتان

۹- آسمانگردنده

۱۰- آسمان، ملکوتاعلی

باتوجهبهنهتقسیمبندیمو ضوعیدهقسمتیآسمان، در شعر نظامیدر اینمقالهبر اینماتصاویر ایجادشد  
هباموضوع (آسمانبارگاه) رایبانکنیم.

## الف- (۱) آسمانبارگاه

بارها در آثار متقدمین آسمانیه‌ها کخیابار گاهیتشبیهدهاستو آنچهشاعران نوینویسند گانپیشینرا بر ایند  
وامی داشتهاعتقاد و باور مردمبر تأثیراتیاستکهها فلاکبرزمینوزمینانمی گذاشته‌اندو گویچونپادشاهیم  
قدرتبوده‌استکهتاما مورزندگیمردمبهدستاو صورتمی پذیرفتهو تصمیماتافلاکوانجماستکهزندگیآند  
هارا رقمی‌زند. از اینجهتتظامینیز باتمامهترتصویر آفرینبخوداز اینموضوعاستفادهکردهوبرایاجرام  
فلکیباتوجهاعتقاد و باور مردمجایگاهومقامومنز لتیدر نظرگرفتهاستوباتوجهبکار آبیهرکدامبتهو

صیفاً آنها پر داختهاست. مثلاً خورشید را که تنها ستاره روشن آسمان زمین است با آمدن نشستار گاندیگر محو می شودند سلطان، شاه، سالار و گاهیا سبیا نفلک خواندها ستو ما هر اکه پس از خورشید آسمان شب را و شنمی ساز دو اینتیا برتر از خورشید گر فتهاست به عنوان تاییبا و زیر و جانشین شاه (خورشید) می داندو البتتها آمدن خورشید نا بید یگر حرفیبر ایگفتند دارد. ماهگاهی سبکو صاحب طالعقاداناست. نیز عطار در ادبیر، کاتینافذ قلمبار گاهآسماننا میدهد هاستو مشتریر اقا ضیفلکو منشید فتر بهدستیکهدر و عدهها یخود صا دقا سته و چونقا ضیا نشهاد تو گو اهیبر انجام کاری می دهند بهر حالهر بار گاهی بهخنیا گر و مطر بنیز بر ایانجامامو ر تفریحینیاز منداست. از اینرو نیز هر هر ابهخنیا گر یشیمی گمار دو د فیه دست، اور ابهسما عمشغولمی دار دو علا و هبر اینکار مطر بیاست که با جامشراب، لهو و لعبو عیشو نوشبار گاهیانرا در آسماننها و جنودمی ر ساند. بر ایز حلغلامی، هندو یو بندگیر ادر نظر گر فتهاستو مر یخر اجنگ جو یفلکد انسته که تیه در دست، سه لاح دار یاینبار گاهرا عهده دار استو خود آسمانچونچتر شاه یو خر گاهپادشاهیاست که با اینتوضیحاتبهند ظرمی رسد بار گاهآسمانهیچکمبودیندار دو کاملاستالبتها لز مبهذکر است که نظرمیدر تو صیفهر کد اما زایه مقامها و جایگاهها معینمو ده، باور داشتند منسبتبها یناجر امر ادر نظر گر فتها خلافاً نمقامیبا شخصیتی بر ایانها ایجاد ننماید. اینکایا تیر اکها شار هبها ینجا یگاهها و مناصدار د بهصور تطبقه بند یشدهمی آورید

م:

#### الف - ۱ -

(۱) خورشید: (سلطان، شاه، شاهچینی، سالار، شاهسوار و گاهیا سبیا) دانسته شد هاست.

چو خورشید از حصــــار لا جور دی	علمز دبر ســـــــردیوار زردی
چو سلطان در هزیمتعودمی سوخت	علمرامی در یسدوچترمیدوخت
(نظــــــــــــــــامی، ۱۳۷۶، ب: ۴۳)	(نظــــــــــــــــامی، ۱۳۷۶، ب: ۴۳)
شبا هنگامکز صـــــــحرا یاندوه	رسیدیا فتا بشبر ســـــــرکوه
سیا هیبر سپید ینقشبسبـــــــستی	علمبر خاستی، سلطانتشـــــــستی
(نظــــــــــــــــامی، ۱۳۷۶، ب: ۲۳۹)	(نظــــــــــــــــامی، ۱۳۷۶، ب: ۲۳۹)
چوزینخر گاهگر داندورشدشاه	بر آمـــــــد چونر خخر گاهیانماه
(نظــــــــــــــــامی، ۱۳۷۶، ب: ۳۵۸)	(نظــــــــــــــــامی، ۱۳۷۶، ب: ۳۵۸)
چونشاهســـــــوار چرخگردان	میدانبســـــــتد زهم نبـــــــردان
(نظــــــــــــــــامی، ۱۳۷۶، ج: ۲۰۶)	(نظــــــــــــــــامی، ۱۳۷۶، ج: ۲۰۶)

آفتاب استش	دیده منشدهبر ابرش
از سطرالهما یونبخت	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، د: ۳۳)
چونبته تلیتمش	رف تسلاط انمش
کھچونشاهچینزینبر ابرش	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، د: ۲۸۴)
کھچونصبحراش	شاهانجمز حوتش
دگر روزکا پنتر کسلطانش	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، د: ۳۱۵)
چوس	فلکنعلز نگیبر آتش
در اینبیتخورشید پاساندا نستهد هکھنگامغرو بگو بیسراودر پایبیل افتادهاست:	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، ه: ۱۰۰)
فلک پاس	عروس
ماه: (وزیر خاصو محرم، نایب، پوشندهتشر یفشاه، صاحبطالعیکها و قاصدان)	عدنڈر بھدینار داد
خاصگییمحر مجمش	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، ه: ۱۹۸)
چنینخواندمز طالعنامه ش	زدریرو کایچینکو هھبر زد بھکوه
چوزینخر گاهگر داندور شدش	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، ه: ۴۴۵)
همانمکر ادار بازفتنه	بر آورد بانگ
	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، و: ۱۹۷)
	سر پاس
	بانا ماند هدر پایبیل
	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، و: ۱۲)
	خاصتر از ماهبھخورش
	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، الف: ۱۶۴)
	کھص
	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، ب: ۳۷۰)
	بر آم
	(نظ) سامی، ۱۳۷۶، ب: ۳۵۸)
	کھمھنا بیمھباش
	دبھنور

(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، ه: ۲۶۵)	بیوشید نو شایه تشریفش _____ ماه
(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، ه: ۳۰۷)	چو تشریف خورشید در خشک شده ماه
(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، و: ۹۲)	بر آمد گل از چشمه آفتاب
(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، و: ۹۲)	فرو برد مهس _____ ر چو ماهیدر آب

الف - ۱ - ۲) عطارد: (دبیر، کاتب، نافذ قلم، دارایان گشت ریدبیری)

بجهت های نیکه عطارد را دبیر فلک می دانند، قلم دبیر بیه دستا و داد هو بهر دلیلاً نقل مر اسما را کرد هیا می  
شکند و هر جا سخنان قلم است عطارد را حاضر می کند:

پرن _____ د زهر هبر تن خوار کردی	عطارد را قلم مس _____ مار کردی
(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، ب: ۱۴)	
من سو خش _____ د آیتو قوفت	در نس _____ خ عطارد از حروف ت
(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، ج: ۱۳)	
ب عطارد در سانس _____ نبلتر	نیک لکم ز کش _____ تزار هنر
(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، د: ۳۶۵)	
کها می قلم را نگیر د بهدس _____ ت	پسا ننگه قلم بر عطارد شکس _____ ت
(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، ه: ۲۱)	
بدین مهر بر دار دانگش _____ تری	عطارد که ببیند در و مش _____ تری
(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، و: ۱۴)	

الف - ۱ -

۳) بر جیسیا مشتری: (قاضی، قاضی منشور بر دست، قاضی صادق الوعد، دفتر منشیو قضا و تبر دست که هفت ح  
وظفر همیشه با او همراه است)

کهاشها ز بند و شاپورا ز بلارس _____ ت	بر آمد مشتری منشور بر دس _____ ت
(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، ب: ۵۸)	
ایدر هم هو عده ص _____ اد قالو عد	کای مشتری، ایستاره _____ عد
(نظ) _____ امی، ۱۳۷۶، ج: ۱۷۸)	
بر فتحو ظفر ترا ولای _____ ت	ایمنش _____ ی نامه عنایت





(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ج: ۱۷۸)	ایمهرنگینتاج _____ داری
خاتونس _____ رایکامگاری	
(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ج: ۱۷۸)	چونکهرش _____ دبهاماو بهرام
زهرهبرداشتبر نشاطش _____ جام	
(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، د: ۶۴)	چوبردس _____ تمنداد نیکاختری
دفرهروهو دفتر مش _____ تری	
(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، و: ۱۶)	

الف - ۱ - ۵) زحل: (پیر فلک، کهبا قویر اییخصمر اباد پیما می کند، هندو، غلاموبنده حلقهههگوش)

زحلگر نیس _____ تیهندویا ینام	بدینپیر ی _____ درافتاد یاز ینام
	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ب: ۲۶)
کیوانعلمس _____ یاهبر دوش	دربندگیتو حلقه _____ درگوش
	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ج: ۱۳)
زحلازدلوب _____ اقویرایی	خص _____ مرادادهبادیما یی
	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، د: ۵۷)

#### الف - ۱ -

۶) مریخیابهرام: (لشگری، جنگنده دارا یسلا حها یجنگی، ملازموکبر و، شیر افکنوشجاعو خشمگینج لادمیلکشچشم دشمنان):

چوشاهنش _____ هزباز یها یایام	بهقایمر یختباشمش _____ بیر بهرام
	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ب: ۱۱۴)
عط _____ اردکردهزاو لخطجوزا	سویمر یخشیر افگنتماش _____ ا
	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ب: ۱۶۶)
مریخمالاز میتاق _____ ت	موکبر وکمترینوش _____ اقت
	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ج: ۱۳)
مریخهتینغوزهر هبا ج _____ ام	بر راستو چیش _____ گرفتها آرام
	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ج: ۳۱)

زهر هدهدش _____ بهجامیاری	مَرِّ یخکندس _____ لیحداری
مَرِّ یخبه‌کینه‌گر متعجیل _____	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ج: ۳۲)
دردهمما هو در شش _____ مبهرام	تا چشمعدو شراکش _____ دمیل
درش _____ بیعنبرینبندینخامی	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ج: ۱۷۳)
بهمریخداد آتشخش _____ مخویش	مجلس آراس _____ ته‌بته‌تیغو بهجام
	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، د: ۹۹)
	کرد بهرام جنگ بهرام _____ ی
	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، د: ۱۲۴)
	کھخش _____ ماند رانرهنمی رفتیپیش
	(نظ _____ امی، ۱۳۷۶، ه: ۲۱)

## الف-۲) آسمان: (چترشاهی، خرگاه)

نظامی آسمان را همانند خیمه و خرگاه یا دشا هیاهای زکراتنا کرانکشید هشد تصویر نمودهاست و آنرا به چترشاهی تشبیه کرده است:

فلکر اچتر بُد، سلطان نبیاست	که الحق چتر بی سلطان نشایست
(نظامی، ۱۳۷۶، ب: ۱۳)	
بسیگشتمدر این خرگاه ششطاق	شگفتی هابسیدیدمدر آفاق
(نظامی، ۱۳۷۶، ب: ۴۹)	
زمیندر سرکشید چترشاهی	فرو آسودهی کسمر مرغوماهی
(نظامی، ۱۳۷۶، ب: ۲۹۱)	
چو خاتون یغما به خلدالزر	ز خرگاه خلیخیر آورد سر
(نظامی، ۱۳۷۶، ه: ۳۷۰)	

## نتیجه

نظامی گنجوی به عنوان یکی از شاعران خوش شریح و با ذهنی بسیار فعال در تصویر آفرینی و بکر گویدر آثار خود مطالبی را ذکر کرده است که کمتر در شعر شعرای پیش از او و پس از او دیده می شود. این موضوع را خود در بیتتین گونیهی نمی کند که:

عاریتکس نیذیرفته ام هر چه دلم گفت بگو گفت ه ام  
این موضوع در بازتاب آسمان در شعر او کاملاً جلوه کرده است و تصاویر یکپهرا یا آسمان به عنوان بارگاهیه کسلطان مقتدر به نام خورشید با تمام معدتو آلتو خدمو حشم شاهیکاملاً پیدا است و کمتر کسی این گونه در ادب و ادتصاویر هنر نمایکرده است و این مقالته نشاندهنده هنر تصویر آفرینی نظامی در موضوع مورد برسیاست که هاجمالاً به ناشاره شده است.

## منابع

۱. ماهیار، عباس، (۱۳۸۲)، شرحمشکلاتخاقانی، دفتر یکمشریتاثریا، تهران: انتشاراتجامگل.
۲. مصاحب، غلامحسین، (۱۳۸۱)، دایره‌المعارففارسی، ج ۳، تهران: انتشاراتامیرکبیر.
۳. نالینو، کارلو آلفونسو، (۱۳۴۹)، تاریخخجوماسلامی، ترجمه‌احمدآرام، تهران: کانوننشرپژوهش‌هایاسلامی.
۴. نظامیگنجوی، الیاسبنیوسفبنزکیمؤید، (۱۳۷۶)، اقبالنامه(و)، تصحیحوحیددستگردیبهکوششسعیدحمیدیان، تهران: نشرقطره.
۵. نظامیگنجوی، الیاسبنیوسفبنزکیمؤید، (۱۳۷۶)، خسرووشیرین(ب)، تصحیحوحیددستگردیبهکوششسعیدحمیدیان، تهران: نشرقطره.
۶. نظامیگنجوی، الیاسبنیوسفبنزکیمؤید، (۱۳۷۶)، شرفنامه(ه)، تصحیحوحیددستگردیبهکوششسعیدحمیدیان، تهران: نشرقطره.
۷. نظامیگنجوی، الیاسبنیوسفبنزکیمؤید، (۱۳۷۶)، لیلیومجنون(ح)، تصحیحوحیددستگردیبهکوششسعیدحمیدیان، تهران: نشرقطره.
۸. نظامیگنجوی، الیاسبنیوسفبنزکیمؤید، (۱۳۷۶)، مخزنالاسرار(الف)، تصحیحوحیددستگردیبهکوششسعیدحمیدیان، تهران: نشرقطره.
۹. نظامیگنجوی، الیاسبنیوسفبنزکیمؤید، (۱۳۷۶)، هفتتیکر(د)، وحیددستگردیبهکوششسعیدحمیدیان، تهران: نشرقطره.

---

\*اینمقاله محصولرچیزوهشیاستبا عنوان "بررسیویژگیهایسبک‌شعرنظامیگنجوی" کهبراساسمصوبه‌نهاییمورخ ۹۲/۹/۱۱درداد:

شگاه‌آزاداسلامیواحدشهرکردیا نیافت